

پاسخنامه درس اول

- ب) چو ادات تشبیه / مور مشبّه به / (محذوف) مشبه / وجه شبه گوشه‌نشینی، به کنجی نشینم
- ۸ الف) (درویش) چانه‌اش را در گریبان خود پایین آورد (گوشه عزلت گزید) و اعتقاد داشت خداوند بخشنده رزق او را از غیب می‌فرستد.
- ب) خدا بر آن بنده‌اش لطف و احسان دارد که مردم از وجود او در آسایش و راحتی باشند.
- ج) به نام خداوند زینت‌دهنده و اثربخش کلام و شیرینی بخش سخن در کلام (سخنم را آغاز می‌کنم).
- ۹ الف) نیکی به خلق موجب خوشبختی در هر دو جهان می‌شود.
- ب) احسان خداوند / همه‌گیر بودن لطف الهی

۱۰

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بود در ترازوی خویش
ب) بلند آن سر که او خواهد بلندش
نژند آن دل که او خواهد نژندش

- ۱ شیرینی / خوار، زبون و اندوهگین / همراه / سازگار
گردانیدن / نگون‌بختی، پشت کردن / رزق، غذا، خوراک / آفرینش، ساختن / چانه / پرستاری، فکر، اندیشه / مکر، ناراستی، مکار / بخشش، جوانمردی / غیرت، مردانگی، جوانمردی / مزه، طعم
- ۲ ادبار و اقبال / صنع الهی / شغال نگون‌بخت / محراب نماز / حمیت و غیرت / قوت غالب
- ۳ الف) ماه و فروردین: تضمّن / فروردین و بهمن: تناسب
ب) دین و دانش: تناسب / عدل و داد: ترادف
- ۴ الف) هر دو سرا ← صفت مبهم
ب) هر کس ← صفت مبهم
ج) همه ادبارها ← صفت مبهم
- ۵ الف) یک سو پانهادن: همراهی نکردن و مخالفت
ب) رگ و استخوان ماندن: کنایه از نحیف و لاغر شدن
- ۶ بلند آن سر، که او خواهد بلندش
نژند آن دل که او خواهد نژندش
- ۷ الف) چون حرف استفهام می‌باشد و تشبیه نمی‌سازد.

پاسخنامه درس دوم

- ۷ الف) چشم مجاز از خود انسان
ب) سرسپید (سر مجاز از مو)
- ۸ الف) بهتر و آسوده‌تر بتوانند زندگی کنند.
ب) نمی‌گویم که به آن احتیاج ندارم.
ج) مسئولیت این را به عهده نمی‌گیرم.
د) خوشبختانه، بخت یار بود.
- ه) کبک زیبای بی‌همتایی، زیباروی آن باغ فیروزه‌رنگ بود.
و) کلاغ، طرز راه رفتن خود را هم فراموش کرد و از این کار خود (تقلید کورکورانه) زیان دیده ماند.
- ۹ با عبارت «آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت نیازمند نیستم.» قرابت دارند و به موضوع قناعت اشاره دارند.
- ۱۰ در نکوهش تقلید کورکورانه سروده شده است.
«باز کشید از روش خویش پای / در پی او کرد به تقلید جای»

- ۱ ساحل، کنار / سایه‌بان، خیمه / بانگ، غوغا، فریاد / سخت، دشوار / مزده‌رسان، نویددهنده / ناپسندی / گردنبد / خدمتکاران / جنگ کردن با کفار / بخشش / بار سنگین، بار گناه / سختی و عذاب، گناه / ج خطوه، گام‌ها، قدم‌ها / کمیاب، بی‌مانند / باغ، گلزار / دامنه کوه، صحرا / آسایش، آسودگی
- ۲ هزاره و غریو / اوقات فراغت / حلال و حرام / حطام دنیا
- ۳
- | | | |
|-------|---------|-------|
| ۱ ← ت | ۲ ← ج | ۳ ← چ |
| ۴ ← ح | ۵ ← الف | ۶ ← ث |
| ۷ ← پ | ۸ ← ب | ۹ ← خ |
- ۴ الف) لباس‌های من دوخته شده است.
ب) تمامی شاگردان به همایش سالانه فراخوانده شدند.
ج) نمی‌توان مجهول ساخت چون فعل گذرا به مفعول نیست.
- ۵ آرایه مراعات نظیر (حرکات - خطوات) - آرایه ترصیع
(کلمات نظیر به نظیر هماهنگ هستند).
- ۶ رخت کشیدن کنایه از سفر کردن
زاغ - راغ (جناس)
راغ - فراغ (جناس)
رخت کشیدن زاغ و فراغت زاغ ← تشخیص و استعاره